



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۲، بهار ۹۶

سناریوهای ایران در سال ۱۳۹۶

— امیرناظمی^۱، حسین نوری^۲، محمدامین خرمی^۳، حامد صمدی^۴ —

چکیده

سناریوهای ایران در سال ۱۳۹۶ «در قالب یک طرح آینده‌پژوهی در مرکز بررسی‌های استراتژیک» در سال ۱۳۹۵ انجام شد. در این طرح چهار سناریو براساس سه عدم قطعیت بحرانی به دست آمده است. همچنین، به منظور شناسایی سازگاری سناریوها و حذف موارد ناسازگار از نرم‌افزار سناریووزارد استفاده شده است. در این مقاله متن چهار سناریو به همراه یک توضیح مختصر روش‌شناسی تشریح شده است

مقدمه

شناسایی آینده ایران در سال ۱۳۹۶ در یک طرح مطالعاتی که در چهار ماه پایانی سال ۱۳۹۶ انجام شد، منجر به نگارش سناریوهای مربوط به آینده‌های بدیل ایران در سال ۱۳۹۶ شد. در این پژوهش بر پایه سناریونگاری، آینده‌های پیش روی ایران در قالب چهار سناریو و مبتنی بر عدم قطعیت‌های ایران تدوین شد. ابتدا خلاصه‌وار روش‌شناسی بیان شده است و پس از آن تشریح هر یک از چهار سناریو آمده است.

۱. عضو هیات علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور؛ رایانامه: nazemi@nrsp.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم ارتباطات، دبیر پایش آینده‌بان؛ رایانامه: norihosein@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دبیر کارگروه سیاسی آینده‌بان؛ رایانامه: aminkhorami@gmail.com

۴. کارشناس ارشد علوم ارتباطات، دبیر کارگروه اقتصادی آینده‌بان؛ رایانامه: hsamadi58@gmail.com



روش‌شناسی سناریونگاری

روش سناریونگاری مورد استفاده در این مطالعه، مبتنی بر منطق شهودی^۵ و عدم قطعیت‌های بحرانی^۶ بوده است. به این ترتیب، ابتدا تعداد ۱۰۰ مسئله^۷ اول ایران در سال ۱۳۹۶ شناسایی شد و با نظر خبرگان بر اساس دو معیار اهمیت و عدم قطعیت رتبه‌بندی شده‌اند. در جدول ۱، پانزده مسئله دارای اهمیت و عدم قطعیت بالای ۵۰ درصد گزارش شده‌اند.

جدول ۱. مسائل کلیدی ایران ۱۳۹۶

۱۵ مسئله که دارای اهمیت و عدم قطعیت بالای ۵۰ درصد هستند	
۱.	انتخابات ۱۳۹۶
۲.	سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا
۳.	رکود / رونق اقتصادی
۴.	اختلاف نظرهای کلان حاکمیتی
۵.	سرمایه‌گذاری اقتصادی داخلی و خارجی
۶.	پایداری برجام
۷.	نزاع‌های سیاسی جریان‌های قدرت
۸.	کارکردهای اجتماعی فضای مجازی
۹.	تقابل ایران و عربستان
۱۰.	قضاوت افکار عمومی درباره عملکرد حاکمیت
۱۱.	اعتراض‌ها
۱۲.	نقش آفرینی منطقه‌ای روسیه
۱۳.	تورم
۱۴.	مخاطرات امنیتی گروه‌های تکفیری
۱۵.	مسئله سوریه

بر پایه روش تحلیل تأثیرات متقابل^۷ با فرض تنها دو حالت مختلف برای هریک از این پانزده مسئله با ماتریس ۳۰*۳۰ تحلیل اثرهای متقابل و ۳۲۷۶۸ وضعیت مختلف روبه‌رو خواهیم بود که در عمل امکان تحلیل اثرهای متقابل با این گستردگی وجود ندارد. در این مطالعه، به دلیل تنوع و تعداد زیاد مسائل دارای اهمیت و عدم قطعیت، به جای وارد کردن همه مسائل در فرایند سناریوپردازی، گروه‌های مسائل مرتبط به صورت کیفی به عدم قطعیت‌های کلیدی تبدیل شد تا به تعداد کمتر و در نتیجه قابل تفسیرتری از سناریوها دست پیدا کنیم. در جدول ۲ همه پانزده مسئله سازنده عدم قطعیت‌های بحرانی به همراه دسته‌بندی آن‌ها در قالب سه عدم قطعیت کلیدی آورده شده است.

جدول ۲. عدم قطعیت‌های کلیدی

حالت‌ها	مسائل مرتبط	عدم قطعیت کلیدی
۱. توافق قدرت‌های منطقه و فرامنطقه برای تقسیم محدوده‌های اعمال قدرت با حضور ایران ۲. توافق قدرت‌های منطقه و فرامنطقه برای تقسیم محدوده‌های اعمال قدرت بدون حضور ایران ۳. ادامه نزاع قدرت‌های منطقه و فرامنطقه	۱. سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا ۶. پایداری برجام ۹. تقابل ایران و عربستان سعودی ۱۲. نقش آفرینی منطقه‌ای روسیه ۸۷. مخاطرات امنیتی گروه‌های تکفیری ۹۶. سرنوشت سوریه	توازن قدرت در منطقه
۱. رقابت معمول جریان‌های سیاسی بر سر قدرت ۲. نزاع‌های بحران‌ساز جریان‌های سیاسی	۱. انتخابات ۱۳۹۶ ۴. اختلاف نظرهای کلان حاکمیتی ۷. نزاع‌های سیاسی جریان‌های قدرت ۱۰. قضاوت افکار عمومی درباره عملکرد حاکمیت ۱۱. اعتراض‌ها	اجماع یا تضاد داخلی
۱. بحران اقتصادی ۲. کنش‌های اقتصادی	۳. رکود / رونق اقتصادی ۵. سرمایه‌گذاری اقتصادی داخلی و خارجی ۱۳. تورم	بحران یا گشایش اقتصادی

5.intuitive logic

6.critical uncertainty

7.Cross-Impact Analysis

تعداد سه عدم قطعیت کلیدی و حالت‌های آن‌ها با استفاده از علائم نام‌گذاری شده‌اند.

جدول ۳

علامت	حالت‌ها	عدم قطعیت کلیدی
Without Iran	توافق قدرت‌های منطقه و فرامنطقه برای تقسیم محدوده‌های اعمال قدرت بدون حضور ایران	توازن قدرت در منطقه Int Relations
Conflict	ادامه نزاع قدرت‌های منطقه و فرامنطقه	
With Iran	توافق قدرت‌های منطقه و فرامنطقه برای تقسیم محدوده‌های اعمال قدرت با حضور ایران	
Negative	نزاع‌های بحران‌ساز جریان‌های سیاسی	اجماع یا تضاد داخلی Gov
Positive	رقابت معمول جریان‌های سیاسی بر سر قدرت	
Recession	بحران اقتصادی	بحران یا گشایش اقتصادی Economy
Growth	گشایش اقتصادی	

برای سناریوسازی با استفاده از این سه عدم قطعیت کلیدی، از روش محاسباتی بالانس اثرهای متقابل (CIB) و نرم‌افزار سناریویوزارد (Scenario Wizard) استفاده شده است. براساس اصول روش تحلیل ریخت‌شناختی، از ترکیب حالت‌های این سه عدم قطعیت تعداد $2^3 = 8$ سناریو یعنی ۲۱ مورد تشکیل می‌شود. برای جدا کردن سناریوهای ناسازگار از سازگار و کاهش تعداد سناریوها، ماتریس اثرهای متقابل حالت‌ها تشکیل شد و نتایج آن با نرم‌افزار تحلیل شد. ماتریس تشکیل شده دارای ۲۳ خانه بود که باید با اعداد ۳- تا ۳+ پر می‌شدند. به همین منظور، براساس ترکیب عدم قطعیت‌های کلیدی (یک مورد سیاست داخلی، یک مورد سیاست خارجی و یک مورد اقتصاد) پنبلی با حضور سه نفر از اعضای کارگروه‌های تخصصی از مسائل مرتبط تشکیل شد و درباره ۲۳ اثر متقابل بین حالت‌ها بحث و تبادل نظر و در نهایت برآیند بحث‌ها در قالب یک عدد ۳- تا ۳+ جمع‌بندی شد. ماتریس پر شده با بهره‌گیری از نرم‌افزار سناریویوزارد تحلیل و تابلو سناریوها به شکل زیر بدست آمد:

جدول ۴

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3	Scenario No. 4	Scenario No. 5	Scenario No. 6	Scenario No. 7	Scenario No. 8	Scenario No. 9	Scenario No. 10	Scenario No. 11	Scenario No. 12
Int Relations: With Iran	Int Relations: Without Iran	Int Relations: Conflict		Int Relations: With Iran			Int Relations: Conflict	Int Relations: Without Iran	Int Relations: With Iran	Int Relations: Without Iran	
Gov: Positive	Gov: Negative	Gov: Positive	Gov: Negative	Gov: Positive	Gov: Negative	Gov: Positive	Gov: Negative	Gov: Positive	Gov: Negative	Gov: Positive	
Economy: Growth	Economy: Recession	Economy: Growth	Economy: Recession	Economy: Growth	Economy: Recession	Economy: Growth	Economy: Recession	Economy: Growth	Economy: Recession	Economy: Growth	



مشخصات ۱۲ سناریو به دست آمد بر اساس محاسبات نرم افزاری به شرح جدول ۵ است:

جدول ۵

Scenario No. 1 Consistency value : 0 Incons. descrpt. : 0 Total impact score: 5 ----- Int Relations: With Iran Gov : Positive Economy : Growth	Scenario No. 2 Consistency value : -1 Incons. descrpt. : 1 Total impact score: 8 ----- Int Relations: Without Iran Gov : Negative Economy : Recession	Scenario No. 3 Consistency value : -1 Incons. descrpt. : 1 Total impact score: 1 ----- Int Relations: Without Iran Gov : Positive Economy : Recession	Scenario No. 4 Consistency value : -2 Incons. descrpt. : 1 Total impact score: 1 ----- Int Relations: Conflict Gov : Positive Economy : Growth
Scenario No. 5 Consistency value : -3 Incons. descrpt. : 1 Total impact score: 6 ----- Int Relations: Conflict Gov : Negative Economy : Recession	Scenario No. 6 Consistency value : -3 Incons. descrpt. : 3 Total impact score: -2 ----- Int Relations: Conflict Gov : Positive Economy : Recession	Scenario No. 7 Consistency value : -4 Incons. descrpt. : 2 Total impact score: -2 ----- Int Relations: With Iran Gov : Negative Economy : Growth	Scenario No. 8 Consistency value : -5 Incons. descrpt. : 2 Total impact score: -3 ----- Int Relations: With Iran Gov : Positive Economy : Recession
Scenario No. 9 Consistency value : -5 Incons. descrpt. : 1 Total impact score: 0 ----- Int Relations: Conflict Gov : Negative Economy : Growth	Scenario No. 10 Consistency value : -5 Incons. descrpt. : 2 Total impact score: -3 ----- Int Relations: Without Iran Gov : Positive Economy : Growth	Scenario No. 11 Consistency value : -8 Incons. descrpt. : 1 Total impact score: -1 ----- Int Relations: With Iran Gov : Negative Economy : Recession	Scenario No. 12 Consistency value : -9 Incons. descrpt. : 2 Total impact score: -5 ----- Int Relations: Without Iran Gov : Negative Economy : Growth

بر اساس توصیه‌های روش شناختی، سناریوهای با سازگاری صفر تا حدود ۲ قابل استفاده هستند. بر این اساس، سناریوهای ۱ تا ۴ به عنوان سناریوهای قابل اتکا انتخاب شدند. همچنین، در جلسه کارگروه سناریوپردازی، در خصوص سناریوهای ۵ و ۶ نیز بحث و تبادل نظر شد و در نهایت با توجه به امتیاز تاثیر بالای سناریو ۵ که برابر با ۶ است این سناریو نیز در فهرست سناریوهای اصلی قرار گرفت. تفسیر کیفی اعضای کارگروه سناریو این بود که سناریو ۵ در صورت تحقق سناریو ناپایداری است که پس از مدتی به سناریو ۲ تبدیل خواهد شد. در نتیجه، سناریوهای ۲ و ۵ در کنار هم به عنوان یک خانواده سناریو در نظر گرفته شدند. در نهایت، تابلو سناریوهای اصلی ایران در سال ۱۳۹۶ مطابق جدول ۶ است:

سناریو ۱	سناریو ۲	سناریو ۳	سناریو ۴	سناریو ۵
تقسیم قدرت در منطقه: با حضور ایران	تقسیم قدرت در منطقه: بدون حضور ایران	ادامه نزاع قدرت‌های منطقه و فرمانطقه		
اجماع یا تضاد داخلی: رقابت معمول جریان‌های سیاسی بر سر قدرت	اجماع یا تضاد داخلی: نزاع‌های بحران‌ساز جریان‌های سیاسی	اجماع یا تضاد داخلی: رقابت معمول جریان‌های سیاسی بر سر قدرت	اجماع یا تضاد داخلی: نزاع‌های بحران‌ساز جریان‌های سیاسی	
گشایش اقتصادی	بحران اقتصادی	بحران اقتصادی		



اگرچه یکی از عدم قطعیت‌های کلیدی در این مطالعه مرتبط با موضوع اجماع یا تضاد داخلی می‌توانست بیش از هر عاملی متأثر از موضوع انتخابات باشد، اما در دوران پس از انتخابات نیز همچنان یک عدم قطعیت جدی باقی خواهد ماند.

در ادامه، تشریح این چهار سناریو آمده است. زبان تشریح این چهار سناریو بر اساس زمان گذشته است، یعنی نویسنده در آستانهٔ نوروز ۱۳۹۷ به مرور وقایع سال ۱۳۹۶ پرداخته است.

تشریح سناریوها

سناریو ۱. شاید وقتی دیگر

حالتی که در سناریو ۱ محقق می‌شود	عدم قطعیت کلیدی	
توافق قدرت‌های منطقه و فرمانطقه برای تقسیم محدوده‌های اعمال قدرت با حضور ایران	توازن قدرت در منطقه	۱
رقابت معمول جریان‌های سیاسی بر سر قدرت	اجماع یا تضاد داخلی	۲
گشایش اقتصادی	بحران یا گشایش اقتصادی	۳

فعالیت‌های نظامی و منازعات موجود در منطقه، که تا بهار ۱۳۹۶ نیز تدام یافته بود، تمایل به دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک را افزایش داد. بازیگران منطقه که در چند سال گذشته و از آغاز بحران داعش به این نتیجه رسیده بودند که برتری نظامی در منطقه در عمل برای هیچ‌کدام از بازیگران نه امکان‌پذیر است و نه پایدار، از فرایند مذاکرات منطقه‌ای به منظور دستیابی به راه‌حلی سیاسی استقبال کردند. در این فرایند سیاسی، اگرچه برخی از کشورهای منطقه در سال‌های گذشته تلاش می‌کردند با حذف ایران از فرایند مذاکرات منطقه‌ای، ایران را منزوی سازند، اما سرانجام در سال گذشته (۱۳۹۶) ایران را به عنوان یک بازیگر اصلی در فرایند مذاکرات منطقه پذیرفتند. هرچند تمامی بازیگران از ابتدا می‌دانستند که هیچ کشوری نمی‌تواند به تمامی اهداف خود دست یابد، اما افزایش تنش‌ها، خطر سرریز شدن منازعات در سایر کشورهای منطقه و همچنین فرسایشی شدن منازعات گسترده در منطقه، این باور را که «راه‌حل سیاسی بهترین گزینهٔ قابل بررسی است»، مورد اجماع تمامی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار داد. به این ترتیب، همهٔ بازیگران تلاش کردند تا بتوانند اولاً اولویت‌های اصلی خود را در منطقه آینده تعریف کنند و ثانیاً بتوانند از میان بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای خود متحدانی انتخاب کنند.

این مذاکرات سخت و طولانی، هرچند پرتنش ادامه یافت، اما سرانجام توانست با اجماع منطقه‌ای و قدرت‌های فرمانطقه‌ای روبه‌رو شود. این اجماع گرچه هیچ‌یک از بازیگران را کاملاً خشنود نکرد و بیم شکننده بودن آن می‌رفت، اما در این چند ماه توانسته است به برقراری یک وضعیت آرامش ولو نسبی و موقت بینجامد. بازگشت آرامش به منطقه زمینهٔ اولیه را برای تبدیل منطقه به یک منطقهٔ قوی‌تر نویدبخش خواهد بود. نتیجهٔ این وضعیت تحقق امکان زیست مسالمت‌آمیز کشورهای منطقه در کنار یکدیگر و تبدیل منازعات سخت به تقابل‌ها و رقابت‌های سیاسی-اقتصادی منطقه‌ای در چند ماه اخیر بوده است.

پیش‌زمینهٔ چنین دستاوردی در سیاست خارجی را می‌توان برآمده از یک وضعیت داخلی آرام دانست. شرایطی که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری اردیبهشت ماه سال گذشته، منجر به ایجاد یک اجماع نسبی داخلی بر سر رویکردهای خارجی بود. فضای رقابتی میان جریان‌های سیاسی در زمان انتخابات، منجر به



انتخاب رویکرد سیاست خارجی در فضای پس از انتخابات شد. سیاست خارجی تعامل منطقه‌ای که در فضای انتخابات با اقبال عمومی مواجه شد، زمینه‌ساز دستاورد سیاست خارجی منطقه‌ای بود. در کنار این رویکرد دولت، وجود امنیت مناسب در کشور را می‌توان هم علت و هم معلول شکل‌گیری این وضعیت دانست.

هم‌زمان با آغاز فرایندهای مذاکرات منطقه، تعامل با سرمایه‌گذاران خارجی در دستور کار دولت قرار گرفت. پیامد اقتصادی این سیاست خارجی، برقراری امنیت روانی لازم برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بود. مذاکراتی که پس از برجام آغاز شده بود و به دلایل متعدد با کندی پیش می‌رفت، همراه با کاهش منازعات منطقه‌ای با جدیت بیشتری همراه شد. سرمایه‌گذاران خارجی خصوصاً سرمایه‌گذاران فرامنطقه‌ای، به دلیل کاهش منازعات منطقه‌ای و همچنین کاهش عدم قطعیت‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری، با اطمینان بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران تصمیم‌گیری کردند. در چنین شرایطی، کشور توانست خود را به‌عنوان یکی از بهترین گزینه‌های منطقه‌ای برای سرمایه‌گذاری معرفی کند. اگرچه اندازه بزرگ بازار ایران همواره یکی از پیش‌ران‌های اصلی سرمایه‌گذاران خارجی بوده است، اما شاید اصلی‌ترین محرک سرمایه‌گذاران فرامنطقه‌ای برای حضور در بازار ایران، امکان دست‌یابی به بازار کل منطقه بوده است. امری که نشانه‌های آن، هم به دلیل سیاست‌های دولت در اجبار به صادرات محصولات تولیدی در ایران و هم به دلیل توانمندی بالای صنایع پشتیبان و زنجیره تأمین مناسب تولید این شرکت‌ها، قابل مشاهده است. این واقعیت که ایران به دلیل برخورداری از نیروی انسانی ماهر و دانش آموخته و همچنین فرهنگ کار و تولید دارای قدمت، می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای تولید محصولات و ارائه خدمات به کل بازار منطقه باشد، واقعیتی انکارناپذیر است.

شاید بتوان سال گذشته را سال ایران بین‌المللی دانست. بین‌المللی شدن فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین سیاست خارجی گسترده دولت در سال گذشته تنها وجه این بین‌المللی شدن نبوده است. بین‌المللی شدن از طریق عضویت در پروتکل‌های مختلف اقتصادی (مانند پروتکل‌های بانکی) و غیراقتصادی (مانند کنوانسیون‌ها مربوط به حقوق مالکیت فکری) تبدیل به یک رویکرد جدی در تمام سیاست‌های کشور شده است. چالش جدی در سال آینده را می‌توان در اصلاحات ساختاری بخش اقتصادی، خصوصاً شرکت‌های دولتی دانست. بازآرایی ساختار نهادی بخش اقتصاد با هدف کاهش فساد ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در وصول به گشایش اقتصادی خواهد بود.

– سناریو ۲ و ۵

سناریو ۲ و ۵. ابد و یک روز

حالتی که در سناریو ۲ و ۵ محقق می‌شود	عدم قطعیت کلیدی	
توافق قدرت‌های منطقه و فرامنطقه برای تقسیم محدوده‌های اعمال قدرت بدون حضور ایران	توازن قدرت در منطقه	۱
نزاع‌های بحران‌ساز جریان‌های سیاسی	اجماع یا تضاد داخلی	۲
بحران اقتصادی	بحران یا گشایش اقتصادی	۳

تشریح سناریوی ۲: نزاع‌های بحران‌ساز جریان‌های سیاسی بر سر دست‌یابی به قدرت و برخورداری از منابع، که پس از انتخابات رقابتی سال ۱۳۹۶ شکل گرفت، اصلی‌ترین عامل برهم‌زننده شرایط ایران بود. در وضعیتی که رقابت جریان‌های سیاسی بر سر قدرت، در این انتخابات از حد متداول و استانداردش خارج شد، تضادها ایران را تا سطح یک بحران داخلی پیش برده است. این بحران سیاسی غیر ضروری در کشور به همراه



خود در بردارنده دو نتیجه عمده شده است؛ نتایجی پرهزینه و بحران آفرین. پس از انتخابات نیز همچنان بحران کاهش مشروعیت رقیب ادامه یافته است. از یک سو در چنین شرایطی بود که وضعیت اقتصادی در سال گذشته (۱۳۹۶) به دلایل زیر به سمت شرایط نامطلوب فعلی سوق یافت:

- شرایط روانی نامساعد برای سرمایه گذاری و افزایش ریسک سرمایه گذاری که منجر به کاهش رشد اقتصادی شد.

- ناطمینانی سرمایه گذاران خارجی در خصوص سرمایه گذاری در ایران و افزایش ریسک که منجر به کاهش حضور یا افزایش هزینه های حضور در ایران شده است.

- فقدان دستیابی به اجماع در خصوص تصمیمات سخت و راهبردی اقتصادی؛ که بهبود شرایط اقتصادی را به تعویق انداخته است. در این شرایط، ابتدا تصمیمات اقتصادی تبدیل به موضوعاتی سیاسی شدند و با تداوم منازعات پس از انتخابات تبدیل به موضوعاتی امنیتی شدند.

به این ترتیب، نه تنها امکان تحقق گشایش اقتصادی محدود (یا حتی مسدود) شده است، بلکه با تداوم این شرایط در سال آینده (۱۳۹۷) تبدیل به یک بحران اقتصادی خواهد شد.

از سوی دیگر، منازعات بحرانی میان گروه های سیاسی داخلی که منجر به تقابل جدی میان آنان شده است؛ وضعیت سیاست خارجی کشور در منطقه را نیز با سمت منفعلانه ای پیش رانده است. سیاست منفعلانه که ناشی از کاهش اجماع سیاسی در سیاست های خارجی کشور بوده است؛ شکل گیری شرایط جدیدی از تقسیم قدرت در منطقه بدون حضور ایران را محتمل ساخته است. دعوت نکردن از ایران در فرایند مذاکرات سیاسی نشانه ای نامطلوب از این خطر بلندمدت بوده است. بر این اساس، قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای از شرایط داخلی ایران سوء استفاده کرده و زمینه های محدودسازی قدرت ایران در منطقه را کلید زده اند. هر چند هراس این کشورها از سرریز شدن منازعات منطقه ای به ایران به عنوان بزرگ ترین کشور منطقه می تواند شرایط آینده را پیش بینی ناپذیر گرداند. فرایند مذاکرات منطقه ای را می توان فرایند تقسیم منافع و حوزه نفوذ کشورهای مختلف در منطقه، بدون حضور و بدون سهمی برای ایران، دانست.

به این ترتیب، در سال ۱۳۹۶ چرخه ای از شرایط نامناسب برای ایران روی داد، شرایطی که امکان بازگشت به وضعیت مطلوب را پرهزینه و زمان بر ساخته است.

- سناریو ۳

سناریو ۳. آژانس شیشه ای

حالتی که در سناریو ۳ محقق می شود	عدم قطعیت کلیدی	
توافق قدرت های منطقه و فرامنطقه برای تقسیم محدودهای اعمال قدرت بدون حضور ایران	توازن قدرت در منطقه	۱
رقابت معمول جریان های سیاسی بر سر قدرت	اجماع یا تضاد داخلی	۲
بحران اقتصادی	بحران یا گشایش اقتصادی	۳

منازعات منطقه که در سال های گذشته به صورت محدود ادامه می یافت، در سال گذشته (۱۳۹۶) شاهد تغییراتی جدی بود. قدرت های فرامنطقه ای که از میان بازیگران منطقه اقدام به یارگیری کرده اند، در سال گذشته تلاش کردند پروژه کاهش نفوذ ایران در منطقه را پیش ببرند. این پروژه از طریق ابزارهای مختلف و توسط بازیگران متعدد پیگیری شد؛ پروژه ای که می توان اصلی ترین رئوس آن را در رویدادهای زیر بازشناسی کرد:



- اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، که از ابتدای روی کار آمدن ترامپ در آمریکا آغاز شده بود، در شش ماه ابتدای امسال مورد تصویب دولت و کنگره این کشور قرار گرفت. تحریم‌هایی که بخشی از نیروهای سیاسی را به سمت خروج از برجام سوق داد. هرچند این توافق سیاسی را هنوز ایران و پنج کشور دیگر (غیر از آمریکا) لغو نکرده‌اند، اما بیش از هر زمان دیگری شکننده به نظر می‌رسد.

- قدرت‌های فرامنطقه‌ای (غیر از روسیه) بر خلاف رویه سال‌های گذشته خود، به منازعات منطقه به صورت محدود و هدفمند ورود یافته‌اند. حملات هدفمند نیروهای آمریکایی در منطقه شرایط را بیش از گذشته تغییر داده است. این ورود بیش از آن که ناظر به حل مشکلات داعش باشد، منافع دیگر بازیگران از جمله ترکیه، ایران و عربستان را هدف قرار داده است. تغییر شرایط بازی به نفع برخی از بازیگران هدف غایی و نهان این بازیگران از ورود به منازعات بوده است.

- یارگیری میان کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عرب و ترکیه از کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و تشکیل یک جبهه متحد مخالف ایران، قدرت ایران را در منطقه با محدودیت‌هایی روبه‌رو ساخته است. روسیه نیز براساس منافع ملی خود، در یک فرایند داد و ستد با این کشورها قرار گرفته است.

- تلاش آمریکا و کشورهای عرب، به خصوص عربستان، برای بازگرداندن ایران به شرایط پیش‌برجام، با هدف منزوی ساختن ایران در طول سال گذشته را این کشورها پی‌گیری کردند. آمریکا در عمل با تصویب تحریم‌هایی علیه ایران، هزینه اروپایی‌ها را برای همکاری با ایران افزایش داده است.

- افزایش شدت منازعات شیعی-سنی، که از بمب‌گذاری‌های متقابل در رویدادهای مذهبی (عاشورای خونین ۱۳۹۶ در کشورهای منطقه و بمب‌گذاری‌ها در نماز جمعه‌های مختلف اهل تسنن) در کشورهای مختلف منطقه آغاز شده بود، تبدیل به اصلی‌ترین ابزار شیعه‌هراسی در جهان اسلام شده است.

به عبارت دیگر، پروژه «حذف ایران از منطقه، بدون رویارویی مستقیم با ایران»، به صورت هدفمند کاهش نفوذ فرهنگی و مستشاری ایران را دنبال می‌کند. انتخابات سال ۱۳۹۶ نیز نتوانست منجر به انتخاب رویکرد سیاست خارجی مناسبی در ایران شود. گروه‌های مختلف سیاسی ایران در سال گذشته راه‌حل‌های بدیل و مختلفی را ارائه دادند؛ که صرف نظر از قوت آن‌ها، در یک نقطه مشترک بودند: «فقدان اجماع ملی». به این ترتیب، رقابت میان گروه‌های سیاسی تبدیل به عدم اجماع اجتماعی بر مسئله خارجی شده است. تضاد راه‌حل‌های ایران را می‌توان از طیف «برخورد سخت» تا طیف «تعامل دیپلماتیک» دسته‌بندی کرد؛ هر چند موفقیت در این شرایط تنها از طریق یک سیاست منسجم حاصل شدنی است.

در سال گذشته (۱۳۹۶)، اتحاد دشمنان و رقبای خارجی ایران و اقدامات خصمانه آن‌ها علیه ایران، توانست منجر به کاهش موقت سطح رقابت‌های سیاسی و همچنین نزول بحران‌های تنش‌زای داخلی شود. این تهدید خارجی نوعی از اتحاد موقت و ناپایدار را ایجاد کرده است. بازگشت مجدد تحریم‌ها در سال گذشته، به واسطه تجربیات عمومی مربوط به سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ جامعه ایرانی را وارد یک دوران تورم انتظاری شدید کرده است. به دلیل همین ویژگی «انتظاری بودن» تورم سال گذشته، سیاست‌های اقتصادی اعم از مالی یا پولی - نتوانست کنترل یا بهبودی در شرایط اقتصادی ایجاد کند. همچنین، کاهش امنیت روانی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی منجر به کاهش سطح سرمایه‌گذاری در کشور شده است. به این ترتیب، سیاست‌های اقتصادی دولت اساساً ناکارآمد بود و وضعیت اقتصادی به سمت یک رکود تورمی پیش رفته است.

در چنین شرایطی، علی‌رغم آن که شرایط سیاسی به صورت مقطعی به دلیل تهدید بیرونی به یک ثبات نسبی رسیده است، اما شرایط اقتصادی نامطلوب می‌تواند نشانه‌هایی از یک بحران اجتماعی-اقتصادی جدی باشد. همچنین، اظهارنظرهای ماه‌های اخیر برخی از چهره‌های شناخته شده سیاسی در خصوص استفاده از گزینه اقدام نظامی علیه تهدیدات بیرونی نشانه‌ای از ورود به شرایط امنیتی است. هراس این



می‌رود که این‌گونه اظهار نظرها، باردیگر منازعاتی میان گروه‌های سیاسی ایجاد کند و شرایط ثبات و اتحاد سال گذشته (۱۳۹۶)، در سال آینده از میان رود.

– سناریو ۴

سناریو (۴): به همین سادگی

حالتی که در سناریو ۴ محقق می‌شود	عدم قطعیت کلیدی	
ادامه نزاع قدرت‌های منطقه و فرامنطقه	توازن قدرت در منطقه	۱
رقابت معمول جریان‌های سیاسی بر سر قدرت	اجماع یا تضاد داخلی	۲
گشایش اقتصادی	بحران یا گشایش اقتصادی	۳

منازعات منطقه‌علی‌رغم برگزاری نشست‌های کمرمق میان بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، در سال گذشته همچنان تداوم یافت. تداوم این شرایط در سال گذشته (۱۳۹۶) را می‌توان ناشی از تضاد منافع قدرت‌های منطقه و فرامنطقه و در نتیجه شکل‌گیری اتحادهایی میان این بازیگران دانست. از سویی دیگر، اصرار بازیگران بر خواسته‌ها و مطلوب‌های خود عامل دیگری در دست نیافتن به آرامش در منطقه بود؛ آنچه در تعاملات میان این بازیگران در سال گذشته (۱۳۹۶) مشهود بود. این واقعیت است که هیچ یک از کشورهای بازیگر در منطقه، از شرایط منطقه برآورد بحرانی نداشت. درست به همین دلیل بود که اراده‌ مشترکی برای تعیین وضعیت منازعات منطقه‌ای شکل نگرفت. اراده‌ای که در سال آینده (۱۳۹۷) نیز نشانه‌های آن ضعیف ارزیابی می‌شود.

انتخابات اردیبهشت سال گذشته (۱۳۹۶)، نشان داد که اغلب جریان‌های سیاسی صاحب قدرت در ایران، علی‌رغم تفاوت در دیدگاه‌هایشان، به سطحی از توافق‌های موقتی برای خروج از وضعیت اقتصادی نامطلوب دست یافته‌اند. شاید بتوان نقطه‌ مشترک تمام کاندیداهای جدی در انتخابات سال گذشته را تعامل فعال دیپلماتیک با فرامنطقه دانست؛ هرچند در تعیین مصداق طرف‌های همکار فرامنطقه‌ای تفاوت‌هایی را مشاهده کرد.

گرچه رقابت جریان‌های سیاسی در حد معمول و علی‌رغم تفاوت در سیاست خارجی باقی مانده است، اما این تفاوت به سطح بحرانی نرسیده است. این اشتراک در سیاست خارجی، در میان جریان‌های مختلف سیاسی، تنها محدود به حوزه سیاست خارجی نبوده است و در حوزه اقتصادی نیز می‌توان این اشتراک را مشاهده کرد. به نظر می‌رسد نوعی از اجماع در میان گروه‌های سیاسی معتدل از جناح‌های مختلف در خصوص سیاست‌های اقتصادی شکل گرفته است. به این ترتیب، علی‌رغم انتقادات محدود و خرد، هم‌صدایی و هم‌قدمی در سطح سیاست‌های کلان و در همه سطوح حاکمیتی منجر به ایجاد سطحی از گشایش اقتصادی در سال گذشته شد. رونق هرچند اندکی که در شش ماهه دوم امسال (۱۳۹۶) شاهد آن بودیم برآمده از همین هم‌رأیی بود.

رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ که بیش از هر عامل دیگری ناشی از رشد تولید نفت و رفع تحریم‌های مربوط به فروش آن بوده است؛ نتوانست در سال ۱۳۹۶ نیز ادامه یابد. هرچند تأثیرات رشد اقتصادی عوامل غیرنفتی رونق بیشتری در کشور ایجاد کرده است و مردم آن را بیشتر از سال ۱۳۹۵ احساس کردند.

از سوی دیگر، به دلیل منازعات منطقه، استفاده از پتانسیل‌های بازار منطقه امکان‌ناپذیر شد. همچنین، نااطمینانی و ریسک موجود برای سرمایه‌گذاران فرامنطقه در ایران و منطقه، نگذاشت اقتصاد ایران از اهرم سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کند. به این ترتیب، با وجود آرامش داخلی، به سبب تداوم شرایط بحرانی منطقه، رشد و گشایش اقتصادی حاصل از آن در سال گذشته (۱۳۹۶) محدود بود.